



پزشکیان: مکان‌های تخریب‌شده در جنگ اخیر را با قدرت می‌سازیم



فرصت‌سوزی تاریخی در دیپلماسی انرژی

رضا رئیسی

روزنامه‌نگار و تحلیلگر سیاسی



اگر بخواهیم مهمترین نهاد بین‌المللی که نقش راهبردی و ممتاز و متمایز در صنعت نفت جهان را عطف به ظرفیت و پتانسیل‌های بالقوه و بالفعل خود ایفا کرده و نبض اصلی در معادلات و مناسبات معطوف به طلای سیاه در قالب نقش آفرینی آن شاکله و اساس می‌گیرد، نام ببرید، نام سازمان کشورهای صادرکننده نفت (OPEC) در نقطه کانونی این صنعت فوق استراتژیک می‌درخشد. از ۶۵ سال پیش که سنگ‌بنای اوپک در بغداد گذاشته شد، ایران به عنوان یکی از اعضای موسس آن از زمره کشورهای بوده که به‌رغم همه فراز و نشیب‌های رخ داده سیاسی و ژئوپلیتیکی و حتی وقوع جنگ ۸ ساله و دوران طولانی تحریم‌ها و ایجاد محدودیت‌های بین‌المللی در مسیر فروش نفت، به حضور دائمی خود در این سازمان راهبردی در صنعت نفت تداوم و استمرار بخشیده و این کرسی مهم را حفظ کرده است. ایران یکی از ۵ عضو هیئت موسس اوپک است و عطف به این جایگاه، اولین دبیرکل اوپک از سال ۱۹۶۱ تا سال ۱۹۶۴ از ایران انتخاب شد و تاکنون سه بار کنفرانس‌های اوپک در سال‌های ۱۹۶۱ (کنفرانس سوم)، ۱۹۷۱ (کنفرانس بیست‌ودوم) و مارس ۲۰۰۵ (کنفرانس یکصدوسی‌وپنج) در کشورمان برگزار شده است. از طرف دیگر ایران ۱۰ دوره ریاست کنفرانس اوپک به‌عنوان عالی‌ترین ساختار این نهاد را عهده‌دار بوده است. در سال ۲۰۱۱ وزیر نفت ایران بعد از ۳۶ سال ریاست دوره‌ای این سازمان را عهده‌دار شد و بالاخره از ابتدای سال جاری میلادی وزیر نفت ایران ریاست دوره‌ای سازمان اوپک را برعهده گرفت؛ سازمانی که اعضای کنونی آن ۶۵ درصد ذخایر شناخته‌شده نفت جهان و ۴۰ درصد از بازار فروش نفت را در اختیار دارند و بزرگ‌ترین بازیگر صنعت انرژی جهان هستند و ایران در این مقطع بسیار حساس و تعیین‌کننده ریاست سازمان اوپک را در اختیار دارد. اما اگر از مردم کوچه و خیابان و یا حتی از شماری از فعالان عرصه انرژی در ایران بپرسید، شاید ندانند که این جایگاه در طول سال جاری میلادی بر عهده وزیر نفت ایران بوده است، چرا که هیچ اتفاق و تحرک خاصی در این زمینه انجام نپذیرفته است. آخرین اجلاس اوپک و اوپک پلاس در انتهای سال گذشته میلادی (۲۰۲۴) و به صورت غیرحضور و آنلاین برگزار شده و طی آن سیاست‌های اوپک تا پایان سال ۲۰۲۵ ترسیم و تعیین شد و قرار است، کنفرانس آتی اوپک و اجلاس وزارتی اوپک‌پلاس یکشنبه ۹ آذر ۱۴۰۴ برگزار شود. اگر به تاریخ‌ها دقت کنید، در طول ریاست دوره‌ای وزیر نفت دولت چهاردهم بر اوپک هیچ رویداد و کنفرانس و اجلاس وزارتی برگزار نشده و ریاست ایران بر این شاکله موثر و بین‌المللی تماماً نمایشی و فرمالیته بوده است. درست است که دبیرکل اوپک نقش کلیدی و اصلی را دارد اما اینگونه نیست که رئیس دوره‌ای نقشی تماماً نمایشی و بدون کارکرد داشته باشد، خصوصاً با توجه به اتفاقات یک سال اخیر و تهاجم نظامی به ایران به عنوان عضو اصلی و موسس اوپک یا تهدیدات علیه ونزوئلا به عنوان دیگر عضو اصلی و موسس اوپک، می‌شد تقاضای برگزاری اجلاس فوق‌العاده وزیران یا کنفرانس اوپک را مطرح کرده و از این جایگاه در راستای منافع ملی به خصوص با توجه به ایجاد محدودیت‌های فراقانونی و تحریم‌های مضاعف اعمالی علیه صنعت نفت ایران و فروش آن در جهان اقدام کرد. کیست که نداند، مهمترین دغدغه ترامپ در مواجهه با ایران به مقوله تضمین امنیت انرژی و مهار قیمت نفت باز می‌گردد و چه فرصتی بهتر از اینکه از ظرفیت‌های معطوف به دیپلماسی انرژی بهره گرفته شده و آن را در مسیر منافع ملی کالانایزه می‌کردیم. فرصتی که در یکی از مهم‌ترین برهه‌های تاریخی و در میانه سخت‌ترین تلاطم‌های نظامی و اقتصادی بعد از ۱۴ سال یکبار دیگر نصب ایران شد؛ اما با اهمال و بی‌عملی به ثمن بخش و بدون کوچک‌ترین آورده‌ای از کف رفت و کمتر از یکماه دیگر رئیس دوره‌ای سال آینده اوپک نیز معرفی و دست‌مانیز از این فرصت کوتاه و حسرتی دیگر بر دل‌مان خواهد ماند. جالب آنکه رئیس اوپک توانایی تشکیل کنفرانس و اجلاس را داشت که بهره‌ای از آن نبردیم حتی در زمینه رسانه‌ای نیز، اظهارنظر صرف رئیس اوپک می‌توانست تأثیر مقطعی و موثر در نوسانات بازار انرژی داشته باشد که همان نیز مورد توجه و التفات قرار نگرفت.

آفریقا، در انتخابات کاملاً آزاد شهرداری مهمترین شهر آمریکا پیروز شد. نمی‌دانم ما در ایران چطور می‌خواهیم این پیروزی را تفسیر کنیم. سال‌ها روایت کردیم که این دموکراسی وجود ندارد و خلاف واقع است، اما فردی با این عقیده توانست این پیروزی را رقم بزند. علاوه بر اینکه پیروزی ممدانی، سال‌ها تبلیغات ما را از بین برد، کاملاً برخلاف رویه‌ایست که ما در این سال‌ها داشتیم. چند سال قبل خاطراتان هست برای عضویت سپینا نیکنام در شورای شهر شیراز، چون زشتی بود چه اتفاقی رخ داد؟ ما اگر فردی انتقادی به‌ساختار کرده باشد، به آقای خاتمی ارادت داشته باشد، به میرحسین موسوی لیخن‌زده باشد او را ردصالحیت می‌کنیم. در واقع دلایلی که شهرداری نگهبان برای ردصالحیت‌ها ذکر می‌کند، از یک سو خنده‌دار و از یک سو گریه‌دار است که وضعیت مردم‌سالاری در کشورمان به کجا رسیده. «او ادامه داد: «ممکن است پذیرش‌اش سخت باشد اما دیدیم فردی که رئیس جمهور آمریکا به‌عنوان قدرتمندترین فرد در آمریکا و شخص اول این کشور به صراحت با او مخالفت کرده، او را کمونیست و خرابکار خوانده و مردم را تشویق کرده که به او رای ندهند، وارد انتخابات و به‌رغم تمام این مخالفت‌ها پیروز شد. حقیقتاً نمی‌دانم اگر می‌گویم آمریکا دموکراسی ندارد و دروغ است، همه چیز دست‌و‌حزب است و همه حرف‌های دیگری که در این باره زده‌ایم، پس زهران ممدانی چگونه در انتخابات پایتخت مالی جهان پیروز شد؟ بنابراین هم دموکراسی وجود دارد و هم حکومت قانون. طبیعتاً چنین چیزی در کره شمالی، روسیه یا چین اصلاً وجود ندارد که بعضی سیاست‌مداران می‌کنند آن‌ها را الگو قرار دهند.»

جنگ ایدئولوژیک میان رادیکال‌ها آغاز شد

امیرعلی ابوالفتح، کارشناس مسائل آمریکادر باره پیروزی



ممدانی و ابعاد گوناگون آن به خبرنگار هم‌میهن گفت: «این موضوع را باید در چند لایه تحلیل کرد که صرفاً بخشی از آن به نیویورک‌برمی‌گردد. این موضوع هم‌تأثیرات ملی‌وبین‌المللی دارد چرا که جهت‌گیری سیاست آمریکا را مشخص می‌کند. به مرور زمان تکلیف دعوای درون حزب دموکرات در حال مشخص شدن است. این حزب بعد از شکست در انتخابات ۲۰۲۴ دچار سردرگمی و انشقاق شده بودند. اما در جریان این کمپین انتخاباتی، جریان چپ، ترقی‌خواه یا سوسیالیست حزب دموکرات - که ترامپ آن‌ها را کمونیست می‌نامد - حول محور ممدانی متحد شدند و احتمالاً هدایت حزب به این جریان منتقل شود. همانطور که در حزب جمهوری خواه، حزب به سمت جریان رادیکال راست رفت. از این مسیر، بخش مرکزگرای هر دو حزب تضعیف می‌شوند.» او ادامه داد: «برای ممدانی ارزش زیادی قائل شدند چون مسیر سختی را طی کرد. حتی اوپاما گفت که من آماده‌ام مشاور او باشم. در واقع موضوع انتخاب اخیر نیویورک خون‌نازاه‌ای به فضایی رخنه‌زده و مملو از سرخوردگی حزب دموکرات تزریق کرد و تلاش می‌کنند که با استفاده از این فرصت فضای ایجادشده پس از انتخابات ریاست جمهوری را تغییر دهند.» کارشناس مسائل آمریکا تأکید کرد: «این نتیجه یک تأثیر ملی هم دارد چرا که نشان می‌دهد جامعه آمریکا از وضعیت موجود ناراضی و عصبانی است. به همین دلیل نسبت به افرادی اقبال نشان می‌دهد که ایده‌های ساختارشکنانه مطرح می‌کنند. دور افرادی حلقه می‌زنند که می‌گویند می‌خواهند با سیستم فاسد و ناکارآمد مبارزه کنند. دونالد ترامپ هم با طرح همین گفتمان در انتخابات توانست به پیروزی برسد اما ممدانی این گفتمان را در سطح نیویورک مطرح کرد ولی اثرش فقط در نیویورک باقی نمی‌ماند. بنابراین با شرایط فعلی، جامعه آمریکا به دوسر طیف راست و چپ اقبال نشان می‌دهند که جنس حرف و ایده‌هایشان یکسان است. توجه به این نکته مهم است که آمریکا اوضاع خوبی ندارد. همین دیروز رکورد طولانی‌ترین تعطیلی دولت در آمریکاشکست. ۴۲ میلیون نفر کوپن غذایی‌شان را نمی‌گیرند. کارمندان فدرال بدون حقوق ماندند و مشکلات مختلفی در حوزه‌های گوناگون به وجود آمده است. تعرفه‌گذاری‌های ترامپ خود را در افزایش تورم نشان می‌دهد که کسب‌وکارها را با مشکل مواجه کرده. اثرات اجتماعی این موضوعات و نارضایتی‌ها خود را در صندوق رای نشان می‌دهد.» ابوالفتح تأکید کرد: «سال آینده میلادی انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره و دو سال بعد از آن (۲۰۲۸) انتخابات ریاست جمهوری برگزار می‌شود. این تحولات احتمال شکست جمهوری خواهان را بالا می‌برد. ترامپ در جریان انتخابات نیویورک تمام اعتبار و حیثیت‌اش را به میان آورد اما نتوانست ممدانی را شکست دهد. هم‌زمان با پیروزی ممدانی در انتخابات شهرداری نیویورک، برادر ناتنی جی.دی‌ونس معاون رئیس جمهور آمریکا در همین رقابت که در سینیسیناتی برگزار شد، شکست سختی خورد.»

این کارشناس مسائل آمریکا در باره اینکه گفته می‌شود ممدانی شباهت‌هایی به اوپاما دارد، گفت: «ممدانی بیشتر شبیه ترامپ است. اوپاما اینقدر رادیکال نبود. اوپاما با شعار تغییر (Change) روی کار آمد، صحبت‌ش این نبود که می‌خواهم تغییر ساختاری ایجاد کنم، او می‌گفت برنامه‌ای برای این تغییرات دارم. اما ترامپ می‌گفت من می‌خواهم سیفون فساد در واشنگتن را بشکشم و علیه سیستم هستم که در انتخابات پیروز شد. ممدانی هم در اشل کوچکت‌تر این ادبیات را به کار می‌برد و می‌گوید من یک دودمان - منظورش میلیاردرهای نیویورک است - را سرنگون کردم. به جنگ میلیاردرهای فاسد رفتم. اما اینکه او در انتخابات شهرداری نیویورک پیروز شده، خیلی مهم‌تر از شهرهای دیگر و تعیین‌کننده است. بودجه سالانه نیویورک ۱۲۰ میلیارد دلار است. اگر بخواهیم این عدد را به درستی درک کنیم، می‌شود به این موضوع اشاره کرد که بودجه ۱۴۰۴ ایران ۱۱۲ میلیارد دلار بوده است. نیویورک شهر کوچکی نیست. پایتخت مالی جهان و گل‌سرسید نظام سرمایه‌داری است که حالا یک سوسیالیست در انتخابات آن پیروز شده است. ترامپ در تروت سوشال و در واکنش به این پیروزی نوشت «و اینگونه آغاز خواهد شد». برخی این پیام ترامپ را به این معنی برداشت کردند که او می‌گوید «و اینگونه جنگ آغاز خواهد شد» که اشاره آن به همان تهدید ترامپ مبنی بر قطع بودجه فدرال نیویورک است. در حالی که اولاً این بودجه در مقایسه با بودجه نیویورک رقم زیادی نیست و دوم اینکه موضوع را به دادگاه می‌برند و در نهایت ترامپ را مجبور می‌کنند که پرداخت کند. چون جزو تعهدات فدرال است که رئیس جمهور نمی‌تواند بگوید انجام نمی‌دهم. حتی نبود این پول هم مشکل زیادی ایجاد نمی‌کند.» او ادامه داد: «موضوع بسیار بزرگ‌تر از بودجه فدرال است. حتی دعوای شخصی ترامپ و ممدانی هم نیست. جنگ ایدئولوژیک دوسر طیف رادیکال چپ و راست آمریکاست و این جنگ آغاز شده. از دیروز این بحث آغاز شده و مرتب از چهره‌های رسانه‌ای نا‌نماینده در کنگره این را تکرار می‌کنند که نیویورک سقوط کرد و اگر دیر بچنین کل آمریکا را تروریست‌ها و کمونیست‌ها از آن خود می‌کنند. پس جنگ بر سر یک کرسی شهرداری نیست. این‌ها احساس می‌کنند که با پیروزی ممدانی، مسلمان‌ها آمدند که آمریکا را نابود کنند و حاضرند برای این موضوع بجنگند که حتی ممکن است از دل آن خشونت سیاسی و حتی ترور بیرون بیاید.»



استندآپ کمدین یا سخنگو

درباره عکسی از فاطمه مهاجرانی

امیر جدیدی

عکاس و روزنامه‌نگار

سرکار خانم مهاجرانی سلام و عرض ادب. اول اینکه نمی‌دانم چه اصراری دارید هر دو هفته یکبار میهمان عکس‌نوشت شوید. خدا شاهد است هفته قبل که دستتان را به قلب تبدیل کردید با وجود اینکه خیلی حرف در دل داشتم زبان به کام گرفتم. ظاهراً اما اگر به زبان نیابیم این حرکت کم‌کم به موتیف تکرارشونده هر جلسه دولت تبدیل می‌شود. قبل از شمارش‌های دولت‌های نهم و دهم هم همین‌طوری علامت «وی» را به ادبیات مطبوعاتی آورد. اصلاً بیخیال خاطرات گذشته، بگذارد از حال سخن بگوییم. می‌دانم که سخنگوی دولت بودن یکی از سخت‌ترین کارهای هر دولتی است. احتمالاً از قول آن فیلسوف شنیده‌اید که «زبان سرچشمه همه سوءتفاهم‌هاست، چرا که هیچ واژه‌ای آن چه را می‌خواهیم، دقیقاً بیان نمی‌کند». واقعیت این است که این زبان همانقدر که می‌تواند بین آدمی جماعت وصل بیافریند فصل هم به‌بار می‌آورد. اصلاً چرا به دنبال اندیشمند غربی برویم؛ مگر سعدی خودمان نگفت که تا مردم - شما بخوان زن - سخن نگفته باشد عیب و هنرش نهفته باشد. می‌خواهم بگویم متوجه موقعیتی که حضرتعالی در آن گیر کرده‌اید هستم. شما همین که صبح به صبح راننده دنبالتان می‌آید و به محل کار تشریف می‌برید عیب و هنرتان را روی دایره می‌ریزید. حقیقتش را بخواید روز اولی که به این سمت گماشته شدید لحن سخن گفتن و چهره مهربان‌تان به دل مردم می‌نشست. اصلاً شاید مهربان‌تان از همان روزی به دل مردم افتاد که در مقام یک مادر پشت‌تریون رفتید و فریاد کشیدید و اخم و تخم کردید. نکته اینکه آن‌زمان شما فرزند زمانه خویش بودید. حقیقت اینکه روزهای اول دولت و زمان انتخابات موقع همین شوخی‌ها و خنده‌ها و گریبان‌چاک کردن‌ها است. اما شما خودتان را جای مردم گرفتار فیلترینگ، تورم، ناترازی و... بگذارید. شما جای مردم بودید پیش خودتان نمی‌گفتید این چه رفتار لوس و بی‌تمکی است که دو هفته است پشت سر هم تکرار می‌کنید. خودمانی بودن و رفیق بودن خوب و پسندیده است بر منکرش لعنت اما جسارتاً مردم قرار است از سخنان شما متوجه اخبار دولت شوند، ناسلامتی شما سخنگویدنه استندآپ کمدین که حضار را به خنده وادارید. زیاده جسارت، ایام عزت‌تان مستدام.

